

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتاسونوف
برگردان از: ا. م. شیرینی
۱۴ جولای ۲۰۱۳

رسوایی جاسوسی و چشم انداز «ناتوی اقتصادی»

همگرایی تجاری- اقتصادی فرا- اقیانوس اطلسی امریکا و اتحادیه اروپا به صورت ایجاد منطقه آزاد (بدون عوارض) تجاری یکی از موضوعات جدید رسانه های جهان است. این طرح را بهنام جذاب «ناتوی اقتصادی» نامیدند. این موضوع اولین بار در سال ۲۰۱۱ در رسانه ها مطرح شد، و در نیم سال اخیر به طرز گسترده ای به طرح آن می پردازند. باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا و ژوزه مانوئل باروز، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا در ماه فبروری سال جاری آمادگی خود را برای شروع مذاکرات در باره ایجاد منطقه آزاد (بدون عوارض) تجاری اعلام کردند. در ماه جون در جریان دیدار «گروه هشت» در ایرلند، روز ۸ جولای سال ۲۰۱۳ به عنوان تاریخ آغاز مذاکرات تعیین گردید.

لغو عوارض گمرکی و حذف موانع مختلف می تواند به توسعه اقتصادی اروپا و امریکا تکان جدی بدهد. به راستی، عوارض گمرکی بین اتحادیه اروپا و امریکا اکنون هم بسیار پائین است و به طور متوسط در حدود ۵- ۷ درصد می باشد. ولی اگر در نظر گرفت که سالانه به ارزش بیش از پانصد میلیون [میلیارد] یورو کالا از طریق اتلانتیک جابه جا می شود، معلوم می شود که فشار بر کسب و کار سر به میلیاردها می زند. مثلاً، شرکتهای مواد کیمیائی اروپا در سال ۲۰۱۰ در مقابل صادرات محصولات تولیدی خود به امریکا، ۷۰۰ میلیون یورو به شکل عوارض به خزانه امریکا واریز کردند. شرکتهای مواد کیمیائی امریکا نیز به سهم خود در حدود یک میلیارد یورو به اروپا پرداختند.

ارزیابیها از تأثیر همگرایی فرا- اقیانوس اطلسی بر اقتصاد متناقض است. مقامات رسمی امریکا و اتحادیه اروپا در باره رشد مورد انتظار درآمد ناخالص ملی و میزان صادرات طرفین، رشد اشتغالزایی و کاهش کسری بودجه ارقام مختلفی را ذکر می کنند. اغلب به ارقام ذکر شده از سوی دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس، اشاره می کنند. او اظهار داشت که ایجاد منطقه آزاد تجاری پس از چند سال باعث افزایش درآمد ناخالص ملی اروپا به میزان ۱۰۰ میلیارد لیر استرلینگ (در حدود ۱۵۷ میلیارد دلار)، ایالات متحده امریکا ۸۰ میلیارد و بقیه جهان ۸۵ میلیارد خواهد شد. بر اساس برآورد اتاق بازرگانی امریکا، لغو تعرفه اقیانوس اطلسی، مبادلات بین امریکا و اتحادیه اروپا را در طول پنج سال به سطح بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار افزایش خواهد داد. ژوزه مانوئل باروز، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا عنوان کرد، که امضای توافقنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری، باعث افزایش نیم درصدی درآمد ناخالص ملی اتحادیه اروپا خواهد گردید. رئیس «دولت اتحادیه اروپا» اظهار عقیده کرد، که «این، به معنی میلیاردها یورو در سال و ایجاد دهها هزار محل کار جدید است».

البته، طرفین فقط به دنبال اهداف اقتصادی نیستند. توافق در باره ایجاد منطقه آزاد تجاری باید در مجموع موضع فرسوده تمدن غربی را در مقابل فشار کشورهای خارج از «منطقه میلیاردرهای طلایی» تقویت نماید. در وهله اول، سخن بر سر چین، دیگر کشورهای بریکس و برخی کشورهایی با اقتصاد رو به رشد است. اگر چه این هدف ژئوسیاسی، اروپائیه را چندان نگران نمی کند، ولی از نگاه امریکا در جایگاه نخست قرار می گیرد. باراک اوباما بارها و مکرراً گفته است، که توافق بین امریکا و اتحادیه اروپا نه تنها برای امریکائیه میدانهای وسیعی را در بازارهای اروپا باز می کند، بلکه، موجب رونق صادرات نیز می شود، اشتغال در جامعه را افزایش می دهد و تأثیر مثبت بر کسری بودجه می گذارد، و حتی موجب تغییر روابط ستراتیژیک امریکا با آسیا نیز می گردد. در هر حال، واشنگتن ترجیح می دهد اهداف سیاسی همگرایی بازرگانی فرا- اقیانوس اطلسی را برجسته ننماید.

شکاکان و مخالفان منطقه آزاد تجاری

قرارداد برنامه ریزی شده را سیاستمداران، کارآفرینان و کارشناسان به اشکال مختلف ارزیابی می کنند.

اول- شکاکان زیادی در دو سوی آتلانتیک وجود دارند. آنها برخی تأثیرات مثبت همگرایی بر اقتصاد امریکا و اتحادیه اروپا را انکار نمی کنند، ولی ارقام پیش بینی شده در باره توسعه تجارت، درآمد ناخالص ملی و اشتغالزایی را اغراق آمیز می دانند. حتی اگر برآوردها مورد تردید قرار داده نشود، این افزایشها برای بیرون کشیدن اقتصاد «میلیاردرهای طلایی» از گرداب بحران کفایت نمی کند.

دوم- در اروپا نیروهائی وجود دارند، که از قرارداد ایجاد منطقه آزاد تجاری با امریکا بیم دارند. سخن از آن سیاستمداران اروپائی می رود، که تمایلی به تقویت موقعیت «برادر بزرگ» ندارند. پس از جنگ جهانی دوم واشنگتن با بهره گیری از مکانیسم ناتو، سیاست نظامی و نیروهای مسلح اروپای غربی را به زیر کنترل خود درآورد. و لذا، توافقتنامه فرا- اقیانوس اطلسی در مورد تجارت را به همین سبب هم به مثابه نسخه «اقتصادی» ناتو تلقی می کنند، که موجب محرومیت کامل اروپا از استقلال می شود. برای مذاکره با امریکا، همانطور که بسیاری از سیاستمداران اروپائی تصور می کنند، بدترین زمان انتخاب شده است. اتحادیه اروپا در بحران (بدهی، بودجه ای، اقتصادی) به سر می برد، در چنین شرایطی واشنگتن به راحتی موفق خواهد شد برتری یکطرفه خود را در جریان مذاکرات نشان دهد. بسیاری از رسانه ها تصویر ساده ای از آینده قرارداد ارائه می دهند. گویا، لازم است طرفین فقط در مورد لغو کامل عوارض بر واردات به توافق برسند، شرایط گردش مطلقاً آزاد کالا و خدمات در حریم اقتصادی فرا- اقیانوس اطلس را فراهم سازند. ولیکن در این صورت ابزارهای متعدد غیرتعرفه ای دفاع از بازار و حمایت از صادرات باقی میماند. اینها عبارتند از معیارهای اکولوژیک و اجتماعی، سوبسیدهای بودجه ای، مالیاتها (امتیازات مالیاتی و مالیاتها مجری وظایف عوارض بر واردات)، شرایط دسترسی به منابع اعتباری و سایر.

موضع کشورهای مختلف در اقتصاد جهانی نسبت به بازارهای بین المللی، در وهله اول با امکانات «دستگاههای چاپ» آنها، یعنی، با بانکهای مرکزی که مسئولیت انتشار پول را بر عهده دارند، تعیین می شود. در چهارچوب «ناتوی اقتصادی» واشنگتن سلاحی مانند سیستم ذخیره فدرال را در اختیار خواهد داشت. با وجود تمام ضعفها و نارسائیهای آن، از توانمندی بیشتری نسبت به بانکهای مرکزی اروپا برخوردار خواهد بود.

در رسانه های اروپائی اغلب این تهدید، که چگونه بازار سینمای اروپا را صنعت سینمای هالیوود امریکا کاملاً اشغال کرد، یادآوری می شود. مدافعان حقوق مصرف کنندگان، و همچنین بوم شناسان در اروپا به قرارداد آماده شده، شدیداً با تردید نگاه می کنند. یانیک ژادو، نماینده پارلمان اروپا از حزب «سبز» فرانسه ضمن هوشدار در باره آن کالا هائی که می توانند از امریکا به اروپا سرازیر شوند، می گوید: «ما در انتظار محصولات غذائی اصلاح شده ژنتیکی، گوشت

گاوی پرورشی با مواد هورمونی و گوشت‌های ضد عفونی شده با کلر نمنشته ایم». تصور اروپائی‌ها و آمریکا در مسائل مربوط به معیارهای امنیتی، که باید پاسخگوی مواد غذایی باشد، از همدیگر متفاوت است.

سوم- کشورهای خارج از حوزه اقیانوس اطلس بسیار محتاطانه به برنامه واشنگتن و بروکسل مبنی بر ایجاد منطقه آزاد تجاری فرا- اقیانوس اطلسی برخورد می‌کنند. در صورت اجرای این برنامه، ۵۰ درصد درآمد ناخالص جهانی عاید منطقه مورد نظر (شامل کانادا و مکزیک که در حال حاضر عضو منطقه آزاد تجاری امریکای شمالی هستند، به همراه آمریکا و اتحادیه اروپا)، خواهد شد. به احتمال زیاد، استرالیا و زلاندنو نیز به مجموعه گروهبندی جدید همگرانی خواهند پیوست. به این ترتیب، تثبیت تجاری- اقتصادی «میلیاردهای طلایی»، که می‌تواند توسعه اقتصادی همه کشورهای «خارجی»، اعم از چین، دیگر کشورهای بریکس و ژاپن را با دشواریهای اجتناب ناپذیر مواجه سازد، روی می‌دهد.

رسوایی جاسوسی

همین که در تاریخ ۸ جولای در مورد آغاز مذاکرات پیرامون ایجاد منطقه آزاد تجاری بین آمریکا و اتحادیه اروپا تصمیم گرفته شد، جار و جنجالهای مرتبط با نام ادوارد اسنودن و جمع آوری اطلاعات از اتباع کشورهای خارجی، در وهله نخست، از شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا توسط سازمانهای اطلاعاتی آمریکا اوج گرفت. ابتداء واشنگتن تأیید کرد، که شنود مکالمات تلفنی و نظارت بر مکاتبات اینترنتی فقط در مورد اتباع خارجی عادی و تنها با هدف هوشداردهی در باره اقدامات تروریستی صورت گرفته است. اما خیلی زود معلوم شد، که امریکائیان دروغ می‌گویند و تحت عنوان «نظارت ضد تروریستی»، مقامات عالی‌رتبه اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را زیر نظر گرفته اند.

مجموعاً ۳۸ مؤسسه، از جمله مقر شورای اروپا در بروکسل، نمایندگی‌های سیاسی اتحادیه اروپا و سفارتخانه‌های یکسری کشورهای اروپائی در آمریکا تحت نظر بوده است. فرانسویها و المانها بیش از همه توجه مأموران امنیتی آمریکا را به خود جلب کرده بودند. آنها روزانه مکالمه تلفنی ۲ میلیون فرانسوی و ۱۵ میلیون المانی را شنود می‌کرده اند.

برلین و پاریس از واشنگتن توضیح خواستند. اما رئیس مجلس اروپا، مارتین شولتس اظهار داشت، که اگر خبرها تأیید شوند، این کار «آسیبهای جدی به مناسبات بین اتحادیه اروپا و آمریکا وارد خواهد ساخت...». تهدید اصلی بر انعقاد قرارداد ایجاد منطقه آزاد تجاری از اظهارات ویوان ردینگ رئیس کمیسیون قضائی اتحادیه اروپا مستفاد می‌شود. بنا به گفته او، «شرکاء از همدیگر جاسوسی نمی‌کنند».

جاسوسی علیه متفقین به عنوان یک امر عادی

هیچ چیز تازه‌ای در زیر آفتاب وجود ندارد و «رسوایی جاسوسی» کنونی، فقط یکی از تصاویر آن است، که جاسوسی در «دنیای متمدن» از مدتها پیش به یک معیار عادی تبدیل شده است. یادآوری نشأت اطلاعات در باره عملکرد سیستم فنی جاسوسی «آشه لون» (Echelon) در این باره کافی است. این سیستم بر مبنای قرارداد سری منعقد بین سازمانهای جاسوسی آمریکا، انگلیس، استرالیا و زلاندنو ساخته شد. «آشه لون» عظیم‌ترین سیستم شنود و رهگیری مکالمات تیلیفونی، دورنویس (فاکس) و پست الکترونیک قادر به ردیابی ماهانه ۱۰۰ میلیون گفت و گو در جهان است. آژانس امنیت ملی آمریکا مبتکر امضای عهدنامه و ساخت این سیستم بود. ایستگاههای رهگیری در سراسر جهان،

در پایگاه‌های نظامی امریکا در المان، در اقیانوس آرام و هنگ کنگ احداث شده است. ایستگاه‌های ردیابی و ترانزیتی در اراضی انگلیس مستقر هستند.

پردازش اطلاعات به دست آمده بر مبنای اصل کلمات کلیدی انجام می‌گیرد. در صورت لزوم، جست و جوی کلمات ضروری، مثلاً کلمه «ریز پرداز» در همه بانک اطلاعات مکالمات تلفونی، دورنویس و مکاتبات الکترونیک به کمک برنامه ای که اصطلاحاً «لغت نامه» نامیده می‌شود، آغاز می‌شود. پس از آن، کار شنود و بررسی می‌ماند که این کلمه را چه کسی، به کدام دلیل، به چه کسی گفته است. بر اساس ارزیابی کارشناسان مستقل غربی، نتایج شنود در بیش از ۸۰ درصد موارد برای جاسوسی صنعتی استفاده می‌شود. «اشه لون» سیستم کنترل اطلاعات در سراسر جهان حتی به نفع همه «میلیاردرهای طلانی» نبوده، بلکه تنها به سود جامعه آنگلوساکسونی می‌باشد. برای این جامعه همه اروپانیها (به استثنای انگلیسی ها) موضوع نظارت و کنترل هستند. این هم یک نمونه دیگر. در سال ۱۹۹۵ اطلاعاتی در این باره که آژانس امنیت ملی به کمک سیستم «اشه لون» تمام فاکسها و زنگهای تلفونی بین شرکت «ایرباس» و شرکت هواپیمائی ملی سعودی را رهگیری می‌کند، به مطبوعات درز کرد. در نتیجه، شواهد به دست آمده نشان می‌داد که کارکنان «ایرباس» در مقابل انعقاد قرارداد ۶ میلیاردی، مبلغ قابل ملاحظه ای به عنوان رشوت به سعودیها پیشنهاد کرده اند. آژانس امنیت ملی این اطلاعات را در اختیار دولت امریکا گذاشت و آن هم موفق شد همتایان عربستانی خود را به امتناع از امضای قرارداد ۶ میلیاردی و بستن قرارداد با شرکت‌های «بوئینگ» و «مکدونل دوگلاس» متقاعد سازد.

کارشناس مشهور المانی در زمینه مسائل جاسوسی، کای هیرشمان، در سال ۲۰۰۴ در المان کتابی با نام «سازمانهای مخفی» به چاپ رساند، که اهم مفاد آن به شرح زیر است:

اول- پس از پایان جنگ سرد، سازمانهای جاسوسی غرب بخش اصلی فعالیت خود را روی مسائل اقتصادی متمرکز کردند. موضوع مبارزه با تروریسم به لحاظ اهمیت و مقیاس عملیات خود تا حد قابل ملاحظه ای از جاسوسی های اقتصادی عقب می‌ماند. حتی در سالهای ۹۰ قرن بیستم، رابرت گینس (رئیس سابق سازمان سیای امریکا) گفت، که درخواستهای سازمان سیا در مورد مسائل اقتصادی از نظر تعداد، بیش از همه بقیه مسائل است. و تقریباً نیمی از همه وظایف محوله برای کشف اطلاعات از ۲۰ مؤسسه عمده دولتی امریکا «به لحاظ محتوای خود، مسائل اقتصادی» هستند.

دوم- تجسس اقتصادی در غرب را جاسوسی صنعتی از شرکت‌های خصوصی تکمیل می‌کند. در امر جاسوسی بین سازمانهای اطلاعاتی دولتی و شرکتی «تقسیم کار» مشخصی به عمل آمده است. سازمانهای اطلاعاتی دولتی مؤسساتی از قبیل وزارتخانه ها، ادارات، سازمانهای بین المللی، سفارتخانه ها و نمایندگی های بازرگانی را کنترل می‌کنند. هدف چنین کنترولی عبارت است از به دست آوردن اطلاعات اضافی در مورد تحولات برنامه ریزی شده اقتصادی، مالی، تجاری و سیاست صنعتی دولتهای مربوطه. برای آنها همچنین، اطلاعات مربوط به تدوین مواضع هیأت های دولتی برای مذاکرات بین المللی پیرامون مسائل تجاری- اقتصادی و مالی، اطلاعات مربوط به اختلاف نظر کشورهای عضو بلوک بندیها و اتحادیه های مختلف اقتصادی، مرتبط با توافقنامه های مخفی و غیره حائز اهمیت می باشد. البته، سازمانهای اطلاعاتی دولتی به جاسوسی صنعتی نیز مشغول می شوند، ولی اساساً آنها کار خود را به مسائل مرتبط با خصلت نظامی فنی آوری محدود می کنند. ارگانهای امنیتی دولتی همچنین به اجرای سفارش شرکت‌های بزرگ مشغول می شوند. به ویژه، هنگامی که صحبت از ضرورت پیروزی در مناقصات مختلف خارجی، به خصوص پس از دریافت سفارشات بزرگ از کشورهای دیگر، در میان باشد.

سوم- بسیاری از سازمانهای اطلاعاتی غرب علیه آن دسته از کشورها کار می کنند، که متحد شمرده می شوند. به عبارت دیگر، در منطقه «میلیاردهای طلائی» متحدان متقابلاً همدیگر را به طرز «عالی» ردیابی می کنند. و این، با توجه به این که هیچ کس مبارزه رقابتی را لغو نکرده، اجتناب ناپذیر است.

چهارم- دسترسی به بخش قابل ملاحظه ای از اطلاعات به دست آمده از طریق جاسوسی، از جمله اقتصادی، در شرایط کنونی بدون کاربرد روشهای تجسسی ممکن گردیده و نقش ابزارهای فنی در کار شنود مکالمات تیلیفونی، تعبیه «سوسک» در اماکن، اتومبیلها، دستگاههای فاکس، رهگیری سیگنالها بر روی خطوط کابلی، سرقت اطلاعات از کامپیوترها و سرورها، پردازش انبوه عظیم اطلاعات با کمک رایانه ها از اینترنت، اتصال به شبکه های پست الکترونیک، ارتباطات با اسکایپ و غیره افزایش یافته است.

کای هیرشمان می نویسد: «همه دولتها از مدتها قبل به منظور کسب برتری اقتصادی به سازمانهای اطلاعاتی خود برای انجام جاسوسی اقتصادی دستور داده اند. در این کار «دوستان» غربی ما هیچ تفاوتی با «دشمنان» شرقی سابق ما ندارند. امریکا چنین تصور می کند، که ۲۳ کشور، از جمله همه قدرتهای مهم اروپا به طور منظم علیه اقتصاد امریکا جاسوسی می کنند. در صورتی که نقش درجه اول در زمینه جاسوسی اقتصادی در مقیاس بین المللی را امریکا برعهده گرفته است... رئیس سابق سیا، وولسی (Woolsey) در سخنرانی ماه جولای سال ۱۹۹۴ خود در مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی (Center for Statehik and International Studies) گفت: «من هنگامی که در روزنامه ها می خوانم که برخی مؤسسات اعلام می کنند، گویا آنها به هیچ کمک جاسوسی نیاز ندارند، خنده ام می گیرد. ما به خاطر برخی از آنها قراردادهای واقعاً بیشتری را نجات دادیم». اگر به این مسائل از نزدیک دقت کنیم، این مدعا درست است. و چون سازمانهای امنیت ملی به دستور دولت متبوع خودشان در خاک کشورهای خارجی به تجسس در عرصه اقتصادی مشغول هستند، به خودی خود به این معنی است که آنها به درستی چنین نتیجه گیری می کنند که سازمانهای اطلاعاتی کشورهای دوست و غیردوست نیز با همان منظور در خاک کشور خود آنها فعالیت می کنند.

چشم انداز مذاکرات پیرامون ایجاد منطقه آزاد تجاری در پرتو رسوائی جاسوسی

شروع هیاهو در پی افشای فعالیتهای جاسوسی سازمانهای امنیتی امریکا علیه متحدان اروپائی این کشور در تابستان سال ۲۰۱۳ کشف جدیدی برای متخصصان نبود. منتها قبلاً همه مشاجره ها و مناقشات مرتبط با افشای جمع آوری غیرقانونی اطلاعات، در پشت درهای بسته صورت می گرفت. ولی امروز واقعیت جاسوسی ها در «خانواده نجباء» دستاورد جامعه جهانی به حساب می آید.

صرفنظر از مظاهر زیاد خشم منطقی مقامات اروپائی بروکسل و سیاستمداران کشورهای اتحادیه اروپا، انتظار نمی رود تغییرات اساسی در مناسبات بین امریکا و اروپا روی دهد. احتمال نمی رود مذاکرات برنامه ریزی شده واشنگتن در ۸ جولای سال جاری دایر بر ایجاد منطقه آزاد تجاری فرا- اقیانوس اطلسی لغو شود. در بهترین حالت، می توانند به منظور دادن کمی فرصت «خنک شدن» به اروپائیها، آن را به هفته بعدی موکول نمایند. چنین تعویقی را مقامات درجه اول فرانسه نیز پیشنهاد کرده اند (اظهارات آنها راجع به رسوائی جاسوسی، با تندى خاص خود متمایز می شود). در همه این داستان آنگلو-ساکسونها المان را به ویژه تحقیر کرده اند. بخش اعظم شنود تیلیفونها، رهگیری پستهای الکترونیک و فاکسها به وسیله آژانس امنیت ملی امریکا، سهم این کشور بوده است. از یک سو، این کار مؤید آن است، که المان بیشترین تهدید اقتصادی برای امریکا به حساب می آید. از طرف دیگر، گواهی از آن می دهد، که واشنگتن به المان نه به مثابه یک متحد، بلکه، به عنوان یک رعیت نگاه می کند. اما این نوع نگرش انگلا مرکز را

اصلاً نگران نمی‌کند. او به روشنی گفت که قصد ندارد از شرکت در مذاکرات یا حتی تغییر تاریخ آن صرف‌نظر کند. به طور کلی، در برخی تجزیه و تحلیلها با ایما و اشاره گفته می‌شود، که افشای اطلاعات در باره جاسوسیهای امریکا علیه اروپائینها به وسیله ادوارد اسنودن، با هدف ممانعت از ایجاد منطقه آزاد تجاری فرا- اقیانوس اطلسی یا حداقل، برای متوقف کردن فرایند مذاکرات توسط مخالفان تشکیل «ناتوی اقتصادی» طراحی شده بود. لازم به گفتن است، پس از این داستان اروپائینها برگ برنده خوبی به دست آوردند که احتمال می‌رود فرصت مناسبی برای آنها فراهم سازد تا از همان ابتداء از موضع محکمی در مذاکرات شرکت نمایند. دایره موضوع مذاکره بسیار گسترده است، و هیچ کس احتمال نمی‌دهد که توافقنامه بعد از حتی یک سال امضاء شود. به احتمال قوی، برای این کار حداقل دو سال وقت لازم است و در طول این مدت، حوادث زیادی اتفاق خواهد افتاد. به عنوان مثال، «موج» دوم بحران مالی جهانی که بر توازن قوای طرفهای مذاکره تأثیر می‌گذارد، در این باره که مذاکرات امریکا و اتحادیه اروپا را چگونه تحت تأثیر خود قرار خواهد داد، نمی‌خواهیم گمانه زنی کنیم.

<http://www.fondsk.ru/news/2013/07/05/shpionskij-skandal-i-perspektivy-ekonomicheskoy-nato-21434.html>

۲۲ تیر- سرطان ۱۳۹۲